

تشدید فعالیت‌های تبلیغاتی و اقماعیتهای موجود

دولت جمهوری اسلامی که با شعار کمک و خدمت به مستضعفان ایران و جهان بوجود آمد، مدعی است ثبات و اقتدار لازم برای مقابله با زورگویی‌های قدرتمندان را داراست، لذا هر زمان اراده کند افراد پشتیبان را میتواند برای فداکاری و حمایت از دولت و اهداف آن فرا بخواند.

در وصف اوضاع کشور، این سطور در شرایطی نوشته میشود که قسمتی از معضلات داخلی و جهانی هیات حاکمه را تحت عنوان زیر میتوان خلاصه کرد:

در وعده‌های انتخاباتی و بعد از انتخاب اعجاب انگیز آقای رئیس جمهور به این مقام قرار بود نفت را بر سر سفره‌ی خالی اکثریت عظیم ملت بیاورند و مشکلات آنها را در بیاوند اما هنوز سفره‌های خالی و صاحبان آنها در انتظاری جانگناه چشم به در دوخته‌اند و تنهابوی بد نفت را استشمام میکنند تا چند نشینند و خواهی کی بدر آید! اگر نصیب ایرانی از نعمت و ثروت نفت در بیش از ربع قرن اخیر، چنین بوده در عوض انگشت شماری دولتهای مفلوک و دولتهای متمکن و قدرتمند هر یک بنحوی از این طلای سیاه و خوان گسترده برخوردار گشته‌اند که بالاتر از آن حاتم بخشی و خاصه خرجی هادر تاریخ بیاد ندارد. ظاهراً کسی از حاکمان تامل نمیکند که ثروت خدادادی نفت تنها به نسل کنونی اختصاص نداشته به آیندگان نیز تعلق دارد و این ارثیه بزرگ را نباید بی ملاحظاتی دقیق خرج و تباه کرد، انتقادات دلسوزانه صاحب نظران پیرامون نحوه خرج پول حاصل از نفت را نباید مغرضانه و دستکم گرفت.

با دادن شمار آنکه در اداره امور کشور و نظارت بر حسن جریان کارها (میزان رای ملت و در مجموع مجلس شورا است) باز هم انتخابات نیمه کاره و صد در صد مغایر با نظر قانونگذار و مفاد قانون صورت گرفته و با حضور افراد از غریب و صافی گذشته ساخته شده است که انتخاب آنان با موازین (عدالت، انصاف و اصول) نسبتی نداشته و در واقع منتخبین شایستگی استفاده از نام و کیل و امین مردم را ندارند لذا قادر به انجام وظیفه مهمی نخواهند بود!

مقامات درجه اول و مسئولان پائینتر که باید مجهز به تخصص و دانش مربوط و تجربه کاری لازم باشند، صرفاً با در نظر گرفتن امتیازات و وابستگی فامیلی و گروهی در راس پستها قرار می‌گیرند و پس از جایگانی در حوزه هیات حاکمه مورد پرسش و جوابگویی پیرامون خطاها و سوء استفاده‌ها قرار نمی‌گیرند، اصولاً گویی مردم گرفتار اما هوشیار و آن عده از دانشوران منتقد، افراد نامحرم و خطرناک هستند که هیگاه در تدوین برنامه‌ها و اطلاع از اخبار مهم مربوط به سرنوشت خود و فرزندان نشان شرکت داده نمیشوند، لذا هیگاه معلوم و روشن نمیشود که مسئول یا مسئولان ائتلاف پول و عمر و حیثیت ملت ایران چه کسانی بوده‌اند؟ و در انجام وظایف معیار نیک و بد چیست؟

هنگام مطرح بودن اشتباهات و خطاهای مسئولان بی دلیل بعنوان مقایسه سراغ پرونده رجال و خدمتگزاران صدیق و عاشق ایران که از دروازه‌های تاریخ به نیکنامی گذشته‌اند میروند و به زعم خود دنبال نقطه ضعف آنها میگردند، در حالیکه بر فرض پیدا کردن نکته ای در گذشته‌ها، گناهان و سهل انگاریهای داخلی و جهانی امروز چگونه میتواند توجیه گردیده و آنگاه بخشوده بشوند؟ سیاستهای غلط دشمن ساز، از دست دادن امتیازات و حقوق تاریخی، کوتاهی در حفظ تمامیت ارضی، ایجاد تشدید کینه و نفرت جهانی را با کدام مقایسه میتوان موجه شمرد؟

جالبتر اینکه عملاً انجام اصلاحات و تامین حداقل زندگی ایرانی نجیب و شریف را به زمان اصلاح مدیریت جهانی (لایه بوسیله خودشان!) موکول مینمایند و این نظر مضحک را در بوقهای تبلیغاتی و رسانه ای قرار میدهند و به فریادهای عدالتخواهی و آزادی طلبی کمترین توجهی نمیکند و در این شرایط زندگی ایرانی است که گاه و بیگاه نوجوانان دانش آموز و عده‌ای مخصوص، برای کوییدن مشت بر دهان استکبار جهانی برمیخیزند و راهپیمانی مینمایند و اندیشه نمیکند که مشت محکم آنان بر سر اقتصاد و اشتغال بحرانی خودمان فرود می‌آید یا دهان استکبار را خونین میکند؟!

نتیجه گیری از این بحث مختصر اینست:

در پایتخت کشوری که از یکطرف میزان نرخ تورم ده - پانزده درصد اعلام میشود و از طرف دیگر واکسی دوره گرد هزین و اکس یک جفت کفش را ظرف یکماه از ۳۰۰۰ ریال به ۵۰۰۰ ریال افزایش میدهد، تا کسی آژانس برای کرایه راهی که ۲۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰ ریال میگرفته ۴۰۰۰۰۰ ریال مطالبه میکند، برنج کیلویی ۲۱۰۰۰۰ ریال به ۲۷۰۰۰۰ ریال صعود مینماید، آپارتمان متر مربعی از سه میلیون تومان به بالا فروخته میشود، هزینه درمان و بیمارستان از ۲۰۰۰۰۰۰۰۰؟ چگونه میتوان از دوام و مطمئن بودن پایه‌های حکومتی صحبت کرد که بجای مهار کردن قیمتها و آرام کردن تشویش اذهان میخواهد به اصلاحات اساسی (ایرانی و جهانی) دست بزند و راه رسیدن به این هدفها را هم غلیظ کردن رنگ و لعاب تبلیغات و تکرار تظاهرات خیابانی تعیین نموده است؟

تبلیغات بی محتوا ممکن است به اصطلاح عوام مدتی ملتی را سرکار بگذارد، ولی سرانجام مشتتها باز و حقایق بر ملا میشود لذا بجاست مسئولان درجه بالا ضمن اندیشیدن به راه حلهای عاقلانه از خود بیرسند: بمناسبت پیروزیهای فرضی، راه انداختن راهپیمانیهای نوجوانان - که حق و حقوق (مسلم) ما را در خیابانها تعیین نمایند - نشانه ای از شکست و عقب نشینی دشمن تلقی میشود یا طرف مبارزه ی ما آن حرکات و شعارهای تکراری را ناشی از عدم ثبات و ضعف هیات حاکمه خواهد شمرد؟